



الزامات توسعه روستایی در راستای کاهش فقر در مناطق روستایی

طاهر عزیزی خالخیلی^۱، میثم منتی زاده^۲

چکیده

هر چند افراد فقیر تنها ساکن مناطق روستایی نیستند ولی درصد قابل ملاحظه ای از افراد روستایی بخصوص در کشورهای در حال توسعه از فقر معیشتی رنج می برند و کاهش و ریشه کنی فقر از دغدغه های اصلی مسئولین و سیاست گذاران و یکی از چالش های اساسی بشر برای دستیابی به توسعه پایدار می باشد، لذا قرن بیست و یکم قرن ریشه کنی فقر از سوی سازمان ملل متحد نامگذاری شده است. در ایران نیز شاخص های مربوطه حکایت از عمق توسعه نیافتگی جوامع روستایی دارد که ضرورت توجه به آن را مبرهن می سازد. راهکارهای گوناگونی تا کنون بمنظور دستیابی به توسعه و پیشرفت مناطق روستایی در طول زمان بکار گرفته شدند که چندان در نیل به اهداف خود موفق نبودند. در این پژوهش سعی شده به ابعاد مختلف الزامات توسعه روستایی که در راستای کاهش فقر معیشتی روستاییان تاثیرگذار هستند پرداخته شود و در پایان با جمع بندی تحلیل ها برخی توصیه های عملی ارائه شده است.

واژه های کلیدی: توسعه روستایی، توسعه کشاورزی، فقر روستایی

^۱ استادیار بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری

^۲ دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز



مقدمه

سازمان ملل متحد ریشه‌کنی فقر را بزرگترین چالش پیش‌روی بشر در قرن حاضر و یک ضرورت به‌منظور دستیابی به توسعه پایدار می‌داند. به همین دلیل قرن بیست و یکم قرن ریشه‌کنی فقر از سوی این سازمان نامگذاری شده است (حیاتی، ۱۳۸۳). اگر چه توسعه روستایی به عنوان محور تلاش‌های توسعه مطرح بوده است، اما فقر در مناطق روستایی از بین نرفته و سرمایه‌گذاری‌ها با موفقیت مطلوبی همراه نشده است. فقر تنها در مناطق روستایی نیست ولی بیشتر فقراء در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، تخمین زده می‌شود که ۷۵ درصد از ۱/۲ میلیارد نفری که با روزی کمتر از یک دلار زندگی می‌کنند در مناطق روستایی زندگی و کار می‌کنند (Ashley & Maxwell, ۲۰۰۱).

در ایران نیز شاخص‌هایی نظیر فقر، نرخ مهاجرت از روستا و درآمد سرانه و نظایر آن حکایت از عمق توسعه نیافتگی جوامع روستایی دارد (حسن زاده و قویدل، ۱۳۸۴)، و روند کاهش فقر به صورتی با ثبات به چشم نمی‌خورد و در مناطق مختلف کشور دچار نوسانات میزان فقر هستیم (ارزوم چیلر، ۱۳۸۴). حیاتی (۱۳۸۳) نیز با انجام مطالعه‌ای بیان می‌کند مداخله‌گری‌های توسعه با توجه به تئوری‌های الگویی نظیر نشر و انتقال تکنولوژی نه تنها در ایجاد برابری و کاهش فقر در ایران توانمند نبوده بلکه با سوگیری به اقشار توانمندتر به قطبی‌تر شدن جامعه منجر شده است.

طبق تخمین بانک جهانی در سال ۱۹۹۷ حدود ۱۰۰۰ میلیون نفر در سطح جهان حداقل قسمتی از معیشت شان به کشاورزی معیشتی (Subsistence) یا تجاری وابسته است. که اکثر این افراد درآمدی کمتر از یک دلار در روز دارند. لذا بسیاری از فقراء روستایی آینده‌ای مطلوب در کشاورزی نمی‌بینند و دوست دارند فرزندانشان با تحصیلات خوب دیگر مجبور نباشند کشاورزی کنند (Leeuwis, ۲۰۰۳). از طرف دیگر کشاورزی یک بخش مهم در اقتصاد روستایی بسیاری از کشورها خصوصاً کشورهای در حال توسعه می‌باشد. بنابراین هر نوع استراتژی توسعه روستایی موفق یک بخش کشاورزی را در بر خواهد داشت (Anriquez and Stamoulis, ۲۰۰۷). بخش کشاورزی تأثیر مهمی در تولید ناخالص داخلی کشورها داشته و در برخی کشورها نسبت تولید بخش کشاورزی به GDP به صورت مستقیم بیش از ۲۰ درصد و به صورت غیر مستقیم تا ۴۰ درصد می‌رسد. این بخش همچنین از نظر اشتغال‌زایی بسیار با اهمیت است و در برخی کشورها میزان اشتغال در این بخش به صورت مستقیم تا نزدیک ۵۰ درصد و به طور غیر مستقیم تا ۷۰ درصد نیروی کار را به خود اختصاص می‌دهد (کیبری و برزنده، ۱۳۸۳). در اقتصاد ایران نیز بخش کشاورزی اهمیت زیادی دارد، زیرا نه تنها غذای مردم کشور را تأمین می‌نماید و بیش از ۳۰ درصد درآمد ارزی حاصل از صادرات غیر نفتی را کسب می‌کند، بلکه در ایجاد اشتغال حدود ۳ میلیون و سیصد هزار نفر یا ۲۵ درصد فرصت‌های شغلی و تأمین زندگی و معاش جمعیت قابل توجهی که برآورد می‌شود به بیش از ۲۵ میلیون نفر برسد، نیز نقش ممتاز و منحصر به فردی دارد (ورزگر، ۱۳۷۷).

لذا اگر کشاورزی و توسعه روستایی نادیده گرفتند شوند، کشورهای کمی خواهند توانست فقر را به طور محسوسی کاهش دهند و جامعه جهانی نمی‌تواند به اهداف توسعه هزاره (پیرایند ۱) دست پیدا کند. اگر موضوع معیشت ۷۰ درصد فقرا جهان که در مناطق روستایی زندگی می‌کنند در نظر گرفته نشود و از دسترسی به غذا برای فقیرترین و آسیب‌پذیرترین افراد، اطمینان حاصل نشود، مطمئناً نخستین هدف توسعه هزاره که ریشه‌کنی فقر و گرسنگی است برآورده نخواهد شد. دیگر اهداف توسعه نیز به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به رشد کشاورزی همراه با منفعت برای فقراء (Pro-poor agriculture) وابسته خواهد بود (The World Bank, ۲۰۰۵).



پیرابند ۱- اهداف توسعه هزاره (The World Bank, ۲۰۰۵):

- ۱- ریشه کنی فقر بالا و گرسنگی
 - نصف شدن تعداد افراد با روزی کمتر از یک دلار
 - نصف شدن افرادی که از گرسنگی رنج می‌برند
- ۲- دستیابی به آموزش ابتدایی در سطح جهان
 - اطمینان از تکمیل دوره دبستان
- ۳- ارتقای برابری جنسیتی و قدرت بخشیدن به زنان
 - از بین بردن اختلافات جنسیتی (Gender disparity) در تمام سطوح آموزش
- ۴- کاهش مرگ و میر کودکان
 - کاهش دو سومی نرخ مرگ و میر
 - بهبود سلامت مادران
 - کاهش ۷۵ درصدی مرگ و میر مادران
- ۵- مقابله با ایدز، مالاریا و دیگر بیماریها
 - از بین بردن گسترش ایدز
- ۶- اطمینان از پایداری محیطی
 - جلوگیری از بین رفتن منابع محیطی
- ۷- نصف شدن تعداد افرادی که دسترسی به آب آشامیدنی ندارند.
- ۸- ارتقاء مؤثر زندگی حداقل ۱۰۰ میلیون نفر از ساکنین فقیر نشین
- ۹- توسعه همکاری جهانی برای دستیابی به توسعه

حالا سوالی که وجود دارد این است که آیا بخش دولتی (Public sector) باید در ترویج و تحقیقات کشاورزی سرمایه گذاری کند؟ دانش و اطلاعات کشاورزی از کانال‌های مختلفی انتشار پیدا می‌کند از جمله: بخش خصوصی، دانشگاه‌ها، سازمان‌های غیر دولتی (NGOs)، بخش تجاری و صنایع کشاورزی که نهاده‌های کشاورزی را تأمین می‌کنند. در زمینه کاهش فقر روستایی یک بحث کلیدی این است که در غیاب مداخله‌گری دولت، تعداد زیادی از استفاده‌کنندگان بالقوه، از دانش و اطلاعاتی که هم اکنون برای کشاورزان غیر فقیر فراهم است، محروم خواهند ماند. بسیاری از افراد موافق این نظر هستند که هموار سازی این مشکل مسئولیت بخش دولتی است (Berdegue and Escobar, ۲۰۰۲). استراتژی‌های حال حاضر توسعه روستایی بانک جهانی برای رسیدگی به فقراء در شرایطی که محیط کشاورزی و توسعه روستایی بسیار متغیر می‌باشد، شامل موارد زیر است (The World Bank, ۲۰۰۵):

- ایجاد یک محیط تواناسازی (Enabling environment) برای رشد روستایی پایدار و گسترده
- ارتقاء بهره‌وری و قدرت رقابت بخش کشاورزی
- تشویق رشد اقتصاد روستایی غیر زراعی
- بهبود بهزیستی اجتماعی، مدیریت و کاهش ریسک و کاهش آسیب‌پذیری
- افزایش پایداری مدیریت منابع طبیعی

از آنجاییکه قرن ۲۱ بوسیله سازمان ملل متحد به عنوان قرن مقابله با چالش فقر تشخیص داده شده است، ترویج کشاورزی همراه با منفعت برای فقراء (Pro-poor agricultural extension) می‌تواند رهیافت مناسب برای ترویج کشاورزی در آینده باشد (Hayati & Karami, ۲۰۰۵).



لذا در این مقاله، رهیافت توسعه روستایی همراه با منفعت برای فقراء به عنوان چشم‌انداز توسعه در هزاره سوم در نظر گرفته شده و به مواردی همچون رهیافت معیشت پایدار، نقش کشاورزی در کاهش فقر، نقش بخش غیر زراعی روستا در کاهش فقر، همچنین نقش ترویج و آموزش کشاورزی در کاهش فقر پرداخته خواهد شد.

مفهوم توسعه و روند تغییرات الگوی توسعه

توسعه جامعه به روش‌های مختلفی تعریف می‌شود. بسیاری از مسئولان اجرایی، توسعه جامعه را یک بازده (Outcome) می‌دانند (بهبود اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی در جامعه)، اما بیشتر دانشگاهیان توسعه جامعه را یک فرآیند (Process) می‌دانند (توانایی جوامع برای اینکه به صورت جمعی عمل کنند و توانایی انجام کار را ارتقاء دهند)، در کل می‌توانیم توسعه جامعه را هم فرآیند و هم نتیجه بدانیم (Phillips and Pittman, ۲۰۰۹).

انریکوئز و استامولیس (Anríquez and Stamoulis, ۲۰۰۷) یک تعریف منطقی از توسعه روستایی را توسعه‌ای می‌دانند که جمعیت روستایی از آن منفعت ببرد، جای که توسعه به عنوان ارتقای پایدار استانداردهای زندگی و بهزیستی افراد باشد. هاتاکاریا (Bhattacharyya) توسعه جامعه را فرآیند ایجاد یا افزایش انسجام (Solidarity) و عاملیت (Agency) می‌داند (Hustedde, ۲۰۰۹):
- انسجام به معنای ایجاد یک حس عمیق هویت مشترک و انتظار رفتارهای مورد توافق متقابل برای کارگزاران توسعه جامعه می‌باشد.
- ایجاد عاملیت به افراد این توانایی را می‌دهد که به جهان خود نظم بدهند. عاملیت توانایی مداخله‌گری در جهان یا جلوگیری از مداخله‌گری است که روی فرآیند یا وضعیت یک کار تأثیر می‌گذارد. توسعه دهندگان جامعه این توانایی را در افراد ایجاد می‌کنند مادامی که افراد را تشویق می‌کنند یا آموزش می‌دهد تا رویاهای خود را عملی کنند و مهارت‌ها و دانش جدید یاد بگیرند.

الگوی غالب و پیشنهادی برای توسعه جوامع در طول زمان دستخوش تغییرات زیادی بوده است که در ادامه الگوهای شاخصی که در چند سال گذشته مطرح بوده اند ذکر می‌گردند. مدل انتقال تکنولوژی (Transfer Of Technology/TOT) مدل غالب توسعه در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بود. این حقیقت که کشاورزان خرده‌پا، بسته‌های تکنولوژی توسعه یافته در ایستگاه‌های تحقیقات را نپذیرفتند، محققان را به این نتیجه گیری رساند که کشاورزان عقب مانده یا نادان هستند، و کلید موفقیت خلق یک خدمت ترویجی بهتر است. بنابراین سیستم آموزش و دیدار (Training & Visit/T&V) به طور گسترده اجرا شد (Selener, ۲۰۰۵).

سیستم T&V برای تسریع در پذیرش تکنولوژی‌های جدید، از طریق تعامل بیشتر بین مروجان دولتی و کشاورزان تماسی بود. هر چند این سیستم قصد داشت بازخورد کشاورزان را منتقل کند ولی موفق نبود و نقش کشاورزان به عنوان دریافت کننده آموزش‌ها اکثراً انفعالی بود (World Bank, ۲۰۰۳).

در دهه ۱۹۸۰ هنوز مشکل عدم پذیرش را به مشکلاتی که در سطح مزرعه اتفاق می‌افتاد نسبت می‌دادند، بنابراین نظام پژوهش و ترویج مزرعه‌ای (FSR/E) به عنوان یک پاسخ ارائه شد که تأکیدش روی تحقیق در سطح مزرعه و کاهش نواقص و محدودیت‌ها و پذیرش تکنولوژی جدید بود. سرانجام در دهه ۱۹۹۰ بعضی از محققان به این نتیجه رسیدند که مشکل از کشاورزان نیست، بلکه به خاطر تکنولوژی نامناسبی است که به پذیرش آن تشویق می‌شوند، که ضرورت و تکامل تدریجی رهیافت مشارکتی را دربر داشت (Selener, ۲۰۰۵). در دهه ۱۹۹۰ توسعه تکنولوژیها با کمک کشاورزان انجام شد، و کشاورزان به عنوان شرکای تحقیق و ترویج محسوب شدند و کنشگران کلیدی در فرآیند نوآوری به حساب آمدند (Hagmann et al., ۱۹۹۹).

اشلی و مکسول (Ashley & Maxwell, ۲۰۰۱) تکامل تدریجی خط‌مشی‌های توسعه را به صورت زیر خلاصه می‌کنند:

- در دهه ۱۹۶۰ انقلاب سبز مرتبط بود با سرمایه‌گذاری وسیع دولت در زیر ساخت‌ها، تحقیق و حمایت برای پذیرش تکنولوژی جدید.
- در دهه ۱۹۷۰ با برنامه‌های توسعه روستایی یکپارچه، اولویت‌های بودجه تا حدی به سمت سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی مورد نیاز تغییر پیدا کرد.

- در دهه ۱۹۸۰ در عصر تعدیل ساختاری، نهادهای بخش عمومی اصلاح شد و بودجه‌ها قطع شد.



- در دهه ۱۹۹۰ با ظهور علاقه به کاهش فقر یک نگاه متعادل تر ایجاد شد. در این دیدگاه یک تطبیق بین در اولویت قرار دادن اهداف کاهش فقر و مدل اقتصادی بازار محور، نتولیرال ایجاد شد. رشد به عنوان یک امر ضروری مورد توجه قرار گرفت و بخش خصوصی موتور اصلی توسعه خواهد بود، دولت خط مشی های استراتژیک، سرمایه گذاری برای حمایت زیر ساخت ها، ارائه خدمات بازاریابی را به عهده گرفت، مشارکت تشویق خواهد شد، و شبکه های ایمنی فراهم خواهد شد.

رهیافت معیشت پایدار

رهیافت معیشت پایدار در توسعه روستایی همراه با منفعت برای فقراء بسیار مورد توجه می باشد. در رهیافت معیشت پایدار، توسعه روستایی شامل تمام دارایی های گوناگون قابل دسترس مردم روستایی است و درباره ساختارها و فرآیند های که باعث می شوند این دارایی به شکل درآمد و دیگر بازده های مطلوب درآیند (Ashley & Maxwell, ۲۰۰۱).

واژه معیشت (Livelihood) یعنی افراد چه چیزی برای زندگی کردن باید انجام دهند، همچنین منابعی که باید فراهم شود تا توانایی ایجاد زندگی همراه با رضایت را داشته باشند، عوامل ریسک که در مدیریت منابع باید توجه شود، و نهادها و زمینه های سیاست گذاری که به افراد در دستیابی به زندگی همراه با ترقی و پایدار کمک می کنند یا مانع آنها می شوند، را در بر می گیرد (Ellis and Freeman, ۲۰۰۵).

رهیافت معیشت (Livelihoods approach) مردم محور (People-centred) و کل گرا (Holistic) است و یک دید جامع را فراهم می کند که افراد چگونه در یک زمینه اجتماعی، نهادی، سیاسی، اقتصادی و محیطی زندگی می کنند. این رهیافت مزیت و توانایی قابل توجهی در بازشناسایی و کشف موارد زیر دارا می باشد (Ellis and Freeman, ۲۰۰۵):

- ویژگی های چندگانه و متنوع معیشت
- میزان رواج موانع نهادینه شده (Institutionalised blockages) برای بهبود معیشت
- ویژگی های اقتصادی و اجتماعی استراتژی های معیشتی
- ارتباط های جزء به کل و کل به جزء که ارتباط معیشت با سیاست گذاری ها را مشخص می کند.

خانوارهای فقیر در مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه، اغلب انواع مختلف فعالیت های درآمدزا را برای برطرف کردن نیازهای مصرفی خود به کار می گیرند. تنوع اهمیت قابل توجهی برای این خانوارها دارد چون در مقابل شوک های خارجی مضر برای آنها امنیت ایجاد می کند، با مشکلات بیکاری فصلی مقابله می کنند، و درآمد مازاد برای آنها ایجاد می کند. لذا برطرف کردن موانع و گسترش فرصت ها برای تنوع معیشت به طور فزاینده ای جزو اهداف سیاست گذاری های توسعه روستایی شده است (Anderson, and Deshingkar, ۲۰۰۵) به نقل از (Ellis).

استراتژی های تنوع معیشت، غیر یکنواخت هستند، لذا نتایج مشابهی ارائه نمی دهند. اینکه این استراتژی ها باعث کاهش فقر می شود یا نه به ماهیت و نوع تنوع وابسته است. در یک مطالعه انجام شده، خود اشتغالی و تجارت (Self-employment and trade) باعث پایدار ماندن و تقویت استراتژی های معیشتی موجود می شود و تغییری در آن ایجاد نمی شود. در مقابل کارهای مزدی (wage employment) باعث درآمد بالاتر خصوصا برای مردان می شود (Dolan, ۲۰۰۵).

نقش کشاورزی در کاهش فقر روستایی

افزایش رشد کشاورزی که همراه با منفعت برای فقراء باشد، آسان نیست. این موضوعی است که از جنبه های مختلف، از قیمت های نامطمئن گرفته تا وضعیت آب و هوا، همراه با ریسک می باشد. بسیاری از سرمایه گذاری های که بازده بالایی دارند، سال ها و حتی دهه ها طول می کشد تا عملی گردند. همچنین جمعیتی که مستقیما تحت توسعه روستایی قرار می گیرند معمولا خیلی پراکنده هستند و قدرت سیاسی کمی دارند و نتایج کار برای تصمیم گیرندگان تأثیرگذار چندان محسوس نیست. لذا با تقاضای گسترده ای که برای بودجه محدود



توسعه وجود دارد جای تعجب ندارد که در سال‌های اخیر بخش کشاورزی توجه چندانی، آن طور که باید، دریافت نکرده است (The World Bank, ۲۰۰۵).

اشلی و مکزول (Ashley & Maxwell, ۲۰۰۱) به نقل از ایرز و همکارانش، ۲۰ دلیل مجزا را برای اینکه چرا رشد کشاورزی ممکن است، باعث کاهش فقر در سطح مزرعه، در سطح اقتصاد روستا و در سطح ملی شود ارائه می‌کنند. برای مثال:

در سطح مزرعه، درآمد بیشتر برای کشاورزان، از جمله کشاورزان خرده‌پا؛ کار بیشتر در مزرعه و افزایش تقاضای نیروی کار در هکتار، مناطق زیر کشت افزایش می‌یابد، یا میزان محصول افزایش می‌یابد.

در سطح اقتصاد روستا: شغل‌های بیشتر یا درآمد غیر زراعی بیشتر به خاطر آن درآمد اضافی که کشاورزان یا کارکنان مزرعه در روستا خرج می‌کنند؛ افزایش شغل‌ها و درآمدها در اقتصاد روستایی باعث تغذیه بهتر، سلامتی بهتر و افزایش سرمایه‌گذاری برای آموزش روستائیان می‌شود.

در سطح اقتصاد ملی: کاهش قیمت غذا و مواد خام باعث بالا رفتن دستمزد واقعی فقرای شهری می‌شود و هزینه دستمزد بخش‌های غیرزراعی را کاهش می‌دهد؛ ایجاد پس انداز و مالیات از مزارع اجازه سرمایه‌گذاری در بخش غیرزراعی و ایجاد شغل‌ها و درآمد در دیگر بخش‌ها را می‌دهد.

این تاثیرات می‌تواند مستقیم و غیر مستقیم، کوتاه مدت و بلند مدت، ماهیت تعادل کلی و جزئی داشته باشد، اما تضمینی برای نتایج وجود ندارد زیرا پیش شرط‌های باید وجود داشته باشد تا نتایج مفید ظاهر گردد. برای مثال رشد کشاورزی ممکن است باعث پایین آمدن قیمت غذا و کالاهای با دستمزد ارزان تر شود که باعث تحریک رشد صنعتی شود، اما اگر اقتصاد به روی تجارت بین المللی باز باشد، قیمت زیر سطح بین المللی افت نمی‌کند و فواید ظاهر نمی‌شود.

از دیدگاه کاهش فقر، کشاورزی که متکی به نهاده‌های خارجی زیاد باشد نمی‌تواند یک مدل توسعه خیلی عملی برای بسیاری از فقراء روستایی باشد زیرا برای آنها تأمین این نهاده‌های ضروری خیلی مشکل است (Leeuwis, ۲۰۰۳).

از جمله چالش‌های که بر سر راه کشاورزی به عنوان موتور توسعه روستایی وجود دارد، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود (Ashley & Maxwell, ۲۰۰۱):

اول: بسیاری از تاثیرات مثبت رشد کشاورزی، به این وابسته است که مزارع کوچک پیشگام باشند، که این امر مشکوک و نامعلوم به نظر می‌رسد

دوماً: کاهش جهانی طولانی مدت قیمت کالاهای کشاورزی باعث تحلیل رفتن منفعت کشاورزی به عنوان یک کار تجاری می‌شود و اعتبار تجربی ادامه نتایج مثبت را دچار شک می‌کند.

سوماً: کشاورزی مرزها و محدودیت‌های منابع طبیعی خصوصاً (آب و خاک) را تخریب می‌کند.

سرانجام: حقیقت امر این است که به نظر می‌رسد تنوع در خارج از کشاورزی در بسیاری از اقتصادهای روستایی پویا اتفاق خواهد افتاد.

اما چهار کانال عمده که رشد کشاورزی می‌تواند باعث کاهش فقر شود (Anríquez and Stamoulis, ۲۰۰۷):

۱) به طور مستقیم با افزایش درآمد و خود مصرفی (own consumption) کشاورزان کوچک

۲) به طور غیر مستقیم با کاهش قیمت غذا

۳- به طور غیر مستقیم با افزایش درآمدی که در بخش غیر زراعی روستایی تولید می‌شود

۴- به طور غیر مستقیم با افزایش کار و دستمزد برای کارگران غیر حرفه‌ای

بانک جهانی (World Bank, ۲۰۰۵) سرمایه‌گذاری در موارد زیر را برای کشاورزی که در راستای کمک به فقراء باشد لازم می‌داند:

۱- ایجاد سیاست‌گذاری کشاورزی و ظرفیت نهادی

۲- سرمایه‌گذاری در علوم و تکنولوژی کشاورزی

۳- سرمایه‌گذاری در ترویج کشاورزی و خدمات اطلاع‌رسانی



- ۴- سرمایه‌گذاری در تقویت کشاورزی پایدار
- ۵- سرمایه‌گذاری مدیریت پایدار منابع طبیعی
- ۶- سرمایه‌گذاری در تجارت محصولات کشاورزی و توسعه بازار
- ۷- سرمایه‌گذاری در نهادهای مالی روستا^۲ برای کشاورزی
- ۸- سرمایه‌گذاری در آبیاری و زهکشی
- ۹- سرمایه‌گذاری در بازار، سیاست‌گذاری‌ها و مدیریت اراضی
- ۱۰- مدیریت ریسک، آسیب‌پذیری و بلایا در کشاورزی
- ۱۱- افزایش سرمایه‌گذاری‌های کشاورزی در محیط داخلی بانک

تحقیقات کشاورزی نیز از سه راه عمده می‌تواند در کاهش فقر نقش داشته باشد (Otsuka, ۲۰۰۰):

- ۱- از طریق توسعه تکنولوژی‌های افزایش دهنده عملکرد که باعث افزایش تأمین غذا می‌شود که فقراء سهم قابل توجهی از درآمد خود را صرف تأمین غذا می‌کنند.
- ۲- چون فقراء عمدتاً به درآمد نیروی کار خود وابسته هستند، تحقیقات باید هدفش افزایش تقاضا برای نیروی کار از طریق توسعه تکنولوژی‌های باشد که مصرف‌کننده نیروی کار (Labour-using technologies) باشند.
- ۳- از آنجایی که فقراء معمولاً در مناطق کشاورزی حاشیه‌ای و نا مطلوب ساکن هستند، هدف تحقیقات باید توسعه تکنولوژی‌های باشد که مناسب این مناطق باشند.

نقش بخش غیر زراعی روستا در کاهش فقر

هر چند اکثر خانوارهای روستایی درگیر فعالیتهای زراعی هستند ولی در دهه‌های اخیر فعالیتهای غیر زراعی در مناطق روستایی به طور قابل توجهی رشد داشته است و نقش آن در توسعه روستایی به طور فزاینده‌ای با اهمیت شده است (Oseni, ۲۰۰۷). بررسی‌های اخیر نشان دهنده تمایل برای کاهش تولید محصولات کشاورزی همراه با گسترش سهم فعالیتهای غیر کشاورزی (Non-agricultural) در طول دهه ۱۹۹۰ می‌باشد (Bryceson, ۲۰۰۵). پیش‌بینی می‌شود که در آینده سهم کشاورزی در صادرات و همچنین در GDP (به خصوص در آمریکای لاتین و آفریقا) بیشتر از ۱۰٪ نخواهد بود (Ashley & Maxwell, ۲۰۰۱).

داشتن چندین کار یک موضوع مهم در ادبیات تحقیق مربوط به واحدهای اقتصادی کوچک شده است (Carter, ۱۹۹۹). مدیریت ریسک (Risk management) یک تصمیم‌گیری برای اجتناب از شکست در تولیدات است که با تنوع بخشی به منابع درآمد و گسترش منابع درآمد در طول زمان بدست می‌آید تا ریسک‌های همزمان را کاهش داده و از مصرف خود اطمینان داشته باشند (Bryceson, ۲۰۰۵). افزایش حق‌انتخاب‌های بقاء برای فقراء روستایی دلیل اصلی است که تنوع در بخش روستایی توسط بسیاری از محققان به عنوان هدف مهم خط‌مشی‌های توسعه به آن توجه می‌شود (Ellis, ۱۹۹۸). توانایی برای ایجاد تنوع، به خصوص برای خانوارهای فقیر که در برابر افت‌های غیر منتظره سطح درآمد سالانه کمتر حاشیه امنیت دارند، حائز اهمیت می‌باشد چون خانوارهای فقیر در مقابل عوامل ریسک و فصلی بودن درآمد، نسبت به سایرین آسیب‌پذیرتر هستند. تنوع درآمد نقش مهمی در امنیت غذایی خانوار بازی می‌کند، به خصوص در فصل قبل از برداشت محصول که با کمبود بودجه مواجه هستند (Ellis, ۱۹۹۸). همچنین برای این‌که خانوارهای روستایی نقش پر رنگی در اقتصاد آینده ایفا کنند، باید تعداد زیادی از کسانی که روی مزرعه کار می‌کنند، کاهش یابند و به فعالیتهای دیگر بپردازند (Johnson, ۲۰۰۲).

الیس (Ellis, ۱۹۹۸) عنوان می‌کند تنوع درآمد ممکن است دارای نتایج زیر باشد:

- ریسک ناشی از نقصان درآمد را کاهش می‌دهد؛ به خاطر این که با وجود چند منبع درآمد، تأثیر نقصان درآمد در یکی از منابع درآمدی چندان به چشم نمی‌آید.



- باعث کاهش تغییرات درآمد در طول سال می شود؛ چون تأثیر فصلی بودن درآمد مزرعه را کاهش می دهد و فرد در طول سال دارای درآمد می باشد.

- تغییرات درآمد در سال های مختلف که در نتیجه ناپایداری بازارها و تولیدات کشاورزی ایجاد می شود را کاهش می دهد.

محدودیت های اعتباری اغلب به عنوان یکی از دلایل عمده ای مطرح است که باعث می شود خانوارهای فقیر، همچنان فقیر باقی بمانند. این مسئله خصوصاً در مناطق روستایی صادق است، جایی که اکثر خانواده ها فقیر هستند و در دسترسی به اعتبارات برای سرمایه گذاری روی تولید و پرداخت هزینه ها دچار مشکل هستند. یکی از راه های غلبه بر محدودیت های اعتباری و بازارهای نامطمئن، تنوع در معیشت و فعالیت های غیر زراعی می باشد. فعالیت های غیر زراعی موقعی که همراه با فعالیت های کشاورزی باشد دچار عدم ثبات کمتری می شود (Oseni, ۲۰۰۷). فرانسیس نیونگسا (Francis Nyongesa, ۱۹۹۳) با انجام تحقیقی عنوان می کند که درآمد غیرزراعی نقش مهمی در افزایش تولید زراعی بازی می کند.

برای سال ها این سوال وجود دارد که فعالیت های غیر کشاورزی باعث کاهش فقر روستایی می شود یا آن را افزایش می دهد؟ شواهد آفریقا و آسیا معمولاً در کنار هم در نظر گرفته می شوند. مطالعات موردی آسیا این طور پیشنهاد می کند که فعالیت های غیر کشاورزی روستایی باعث کاهش اختلاف طبقاتی (Class differentiation) می شود چون برای فقراء روستایی که دسترسی محدودی به زمین دارند یا زمین ندارند، جایگزین های معیشتی فراهم می کند. اما مطالعات موردی در آفریقا تصویر مبهم تری را نشان می دهد. تنوع درآمد غیر کشاورزی می تواند باعث افزایش قشر بندی طبقاتی شود چون کشاورزان با درآمد بالا، بخشی از سرمایه کشاورزی خود را صرف فعالیت های غیر کشاورزی پر درآمد می کنند که سرمایه ورودی بالای نیاز دارند و برای کشاورزان متوسط امکان دستیابی به آن وجود ندارد (Bryceson, ۲۰۰۵).

الیس (Ellis, ۱۹۹۸) بیان می کند توانا سازی افراد فقیر برای کسب درآمد کافی برای بقای خود یک مطلب است و کاهش اختلاف درآمد بین فقراء و افراد ثروتمند مطلب دیگری است. برخی معتقدند تنوع باعث ایجاد برابری در اقتصاد روستایی می شود ولی برخی دیگر نیز برعکس آن معتقدند. این تأثیر تا حد زیادی به شرایط زمینه بستگی دارد. الیس معتقد است هر چند چندین مطالعه نشان داد که خانوارهای غنی تر نسبت به خانوارهای فقیرتر سهم بیشتری از درآمد خود را از منابع غیر زراعی تأمین می کنند ولی این نکته ناسازگار با نقش حیاتی تنوع درآمد برای خانوارهای فقیر نیست، بلکه صرفاً روشن گر این مطلب است که خانوارهای غنی تر نسبت به فقراء به کارهای مطلوب تر مشغول می شوند. دلیل عمده این تأثیر نیز به خاطر کمبود دارایی های افراد فقیر و محرومیت شان از کارهای پرمفعت به خاطر محدودیت های آموزشی و مهارتی که دارند، می باشد.

توریسم روستایی مثالی است از پتانسیل اقتصاد روستایی غیر زراعی و چگونگی افزایش منافع برای افراد فقیر است. توریسم به عنوان یک استراتژی توسعه اقتصادی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. توریسم یکی از صنایعی است که بسیار سریع در جهان در حال رشد است و بسیاری از جوامع به دنبال راه های هستند تا وارد این صنعت سود بخش شوند و از فواید توسعه اقتصادی و اجتماعی آن بهره مند گردند (Chhabra and Phillips, ۲۰۰۹).

نقش ترویج و آموزش کشاورزی در کاهش فقر روستایی

برای کاهش فقر روستایی، جنبش های برای توسعه رهیافت های جدیدی که ارجحیت و هدف آنها نیازهای کشاورزان کوچک است در ترویج و تحقیقات کشاورزی بوجود آمده است. رهیافت های مشارکتی و تقاضا مدار به طور فزاینده ای در توسعه، ترویج و تحقیقات کشاورزی به کار برده می شود. در این زمینه تعداد زیادی از روش ها و ابزارها وجود دارد. از موارد سنتی مثل توسعه مشارکتی تکنولوژی ها و ارزیابی سریع روستا گرفته تا ارتقاء کمیته های تحقیقات کشاورزی محلی و مدرسه در مزرعه کشاورزان، مشارکت کشاورزان و سازمان های کشاورزان در آژانس های تحقیقاتی و ترویجی. این رهیافت های مشارکتی تقاضا مدار، راه حل های عملی، موثر و دارایی کارایی هزینه را برای بسیاری از مسائل پیچیده که چگونه توسعه، تحقیق و ترویج کشاورزی مرتبط با نیازهای کشاورزان فقیر باشد را فراهم می کند (Berdegue and Escobar, ۲۰۰۲).



به نظر هاگمن و همکارانش (Hagman *et al.*, ۱۹۹۹) نیز رهیافت مشارکتی ترویج (Participatory Extension Approach / PEA) راهی برای بهبود اثر بخشی خدمات ترویج روستایی است که توسط کارکزاریه‌های دولتی، NGO ها و دیگر سازمان‌های که در توسعه روستایی درگیر هستند، ارائه می‌شود.

البته این رهیافت‌ها محدودیت‌های هم دارند از جمله اینکه، مشارکت کشاورزان همیشه این اطمینان را ایجاد نمی‌کند که فقراء روی مسیر برنامه‌ها تأثیر گذار باشند چون نخبگان محلی معمولاً تصمیم‌گیری‌ها را کنترل می‌کنند. در نهایت اینگونه می‌توان گفت که این گونه روش‌های مشارکتی زمانی بیشتر مناسب هستند که هدف حداکثر کردن تأثیرات مستقیم نوآوری‌های کشاورزی روی مشارکت کنندگان و خانوارها یا جوامع آنها باشد، ولی زمانی که تأثیرات غیرمستقیم مد نظر باشند، این رهیافت‌ها چندان مرتبط نخواهند بود (Berdegúe and Escobar, ۲۰۰۲).

فارینگتون و همکارانش (Farrington *et al.*, ۲۰۰۲) معتقدند سیاست‌گذاری ترویج کشاورزی همراه با منفعت برای فقراء (Pro-poor agricultural extension) باید:

- فرصت‌های را ایجاد کند با تشخیص اینکه کجا فقراء می‌توانند از بازار به عنوان تولید کننده، نیروی کار یا مصرف کننده منفعت ببرند.
 - ارتقاء امنیت و کاهش آسیب‌پذیری با طراحی استراتژی‌ها و اولویت‌های که باعث اجتناب یا کاهش ریسک شود.
 - قدرت دادن به فقراء با کمک به آنها برای توسعه توانایی مذاکره کردن با کنشگران بازار و فراهم کنندگان خدمات
 - حسینی و شریف‌زاده (۱۳۸۶) بیان می‌کنند که دست‌اندرکاران ترویج کشاورزی در راستای ایفای نقش موثر در جریان فقرزدایی و توانمندسازی گروه‌های محروم، نیازمند توجه به کارمایه‌های هستند از جمله:
 - پیگیری فقرزدایی از دیدگاه نظام معیشت پایدار در یک محیط سیاست‌گذاری گسترده‌تر که بر توانمندی فقراء متمرکز است.
 - اولویت بخشی به اشتغال‌زایی و کارآفرینی اجتماعی از طریق کمک به فقرا برای بازشناسی فرصت‌های مولد بر پایه منابع موجود
 - کمک به فقرا برای تخصیص بهینه کمک‌های دریافتی در راستای تولید درآمد
 - تحول و تقویت نقش ترویج بخش دولتی به منظور بهره‌گیری از ظرفیت نهادی سایر بخش‌ها در فرآیند ارائه خدمات ترویجی متناسب با شرایط فقرا
 - تدوین دستورالعمل‌های سازمانی صریح و مبتنی بر شرایط فقرا برای ارائه خدمات ترویجی
 - گسترش برنامه‌های ترویجی با محتوا و روش‌های متناسب با شرایط فقرا
- حیاتی و کرمی (Hayati & Karami, ۲۰۰۵) نیز با انجام مطالعه‌ای در ایران بیان می‌کنند که مداخله‌گری‌های ترویج کشاورزی در کاهش فقر و نابرابری در ایران موفق نبوده است و چالش‌های عملی و دلایل تئوریک برای جهت‌گیری دوباره رسالت ترویج کشاورزی وجود دارد. رسالت ترویج کشاورزی باید، کاهش فقر بر اساس:
- توجه به فقر به عنوان یک پدیده چند بعدی و تشخیص فقرای روستایی با رهیافت‌های جدید
 - تقسیم‌بندی فقراء بر اساس نگرش آنها نسبت به علت فقر
 - پایداری محیطی بر اساس درک مطلوب از پیچیدگی‌های رابطه فقر و محیط
 - افزایش کیفیت زندگی روستایی
 - کاهش آسیب‌پذیری خانوارها
 - بهبود امنیت غذایی



نتیجه گیری و پیشنهادها

هنگامی که هدف کاهش فقر باشد، برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های کشاورزی نمی‌تواند از ترویج و تحقیق کشاورزی شروع شده و به سمت فقر حرکت کند بلکه نقطه شروع، تجزیه و تحلیل انواع مختلف فقر، تعیین کننده‌های فقر، زمینه‌های فقر که در آنها فقر اتفاق می‌افتد و استراتژی‌های معیشتی که فقراء برای پاسخ به این شرایط استفاده می‌کنند، می‌باشد (Berdegue and Escobar, ۲۰۰۲).

در شرایطی که به سمت یکپارچه سازی بازار و جهانی شدن پیش می‌رویم، اگر همچنان رابطه معکوس بین بهره‌وری و اندازه زمین وجود داشته باشد، کشاورزان بزرگ مالک مزیت بیشتری در تولید کالاهای مورد تقاضا (کالاهای با ارزش بالا که نیازمند تکنولوژی سرمایه‌بر و سرمایه مدیریتی و انسانی است) خواهند داشت. اما کشاورزان کوچک هم بدون فرصت نخواهند بود، دسترسی به بازارهای وسیع‌تر و حق انتخاب‌های که دارای ارزش بالاتر هستند برای کسانی در دسترس خواهد بود که نوآور باشند و قادر باشند از فرصت‌های ارائه شده در تغییر نظام استفاده کنند. در این زمینه سیاست‌گذاری‌های دولتی نقش مهمی را ایفا می‌کند. علاوه بر فراهم کردن کالاهای عمومی سنتی، دولت باید برای کشاورزان کمک‌هایی را فراهم سازد که بتوانند نیازمندی‌های تولیدات جدید را فراهم کنند و چارچوب نهادی منظم و درستی را ایجاد کند که کشاورزان کوچک را قادر سازد که از فرصت‌های اقتصادی در دسترس استفاده کنند و قدرت رقابت خود را افزایش دهند (Anriquez and Stamoulis, ۲۰۰۷).

زمانی که رونق شهرها افزایش پیدا کند و دسترسی به بازارهای سایر کشورها امکان پذیر باشد این امکان برای کشاورزان کوچک ایجاد می‌شود که ریسک کرده و به تولید محصولات کشاورزی که ارزش افزوده بیشتری دارند و نیروی کار بیشتری هم نیاز دارد بپردازند مثل تولید میوه، سبزیجات، گل، و غذاهای فرآوری شده. اما تولید این محصولات نسبت به محصولات اساسی معمولاً ریسک بالاتری دارد و اغلب به دانش و مهارت تخصصی‌تر نیاز دارد. همچنین کانال‌های بازاریابی خیلی آماده نیستند و رقابت‌های جهانی خیلی بیرحم هستند. ولی به هر حال شناسایی و حمایت از این حق انتخاب‌ها می‌تواند برای حفظ نیروی کار و فرصت‌های درآمدزایی مناسب باشد (Leeuwis, ۲۰۰۳). بسیاری از کشاورزان فقیر در کشورهای در حال توسعه تنها در صورتی قادرند از تأثیرات مستقیم نوآوری‌های کشاورزی نفع ببرند که در شرایطی کار کنند که تحت حمایت غیر رسمی یا قانونی تجارت بین‌المللی باشند یا سیاست‌گذاری دولتی به آنها اجازه دهد که به طور معنا دار بهره‌وریشان را افزایش دهند یا در سیستم تولیدشان تنوع ایجاد کنند که دارای مزیت رقابتی باشد (Berdegue and Escobar, ۲۰۰۲). یکپارچه شدن مفاهیم تله‌های فقر فعال (Dynamic poverty traps) و معیشت روستائیان، دلالت‌های مهمی برای سیاست‌گذاری توسعه روستایی دارد. چهار مورد که به طور خاص مورد تأکید می‌باشد عبارتند از (Barrett and Swallow, ۲۰۰۵):

- ترویج کشاورزی برای کاهش فقر (*Agricultural extension for poverty alleviation*)

خدمات ترویج باید گروه‌های ارباب رجوع را بر اساس سبد دارایی‌ها (Asset portfolios) و استراتژی‌های معیشتی آنها تشخیص دهد و توجه داشته باشد که تکنولوژی‌های جدید چگونه در استراتژی‌های مختلف گنجانده می‌شود و چگونه سطوح مختلف دارایی‌ها ممکن است آنها را تسهیل یا محدود کند. برای خانوارهای که در زمینه زمین و نیروی کار نسبتاً غنی هستند ولی در مورد دیگر دارایی‌ها و پتانسیل تولید درآمد ضعیف هستند، مروجان ممکن است روی تکنیک‌های دانش محور (Knowledge-intensive) تمرکز کنند که نیاز به سرمایه‌گذاری و به خطر افتادن آستانه معیشت افراد ندارد.

- توسعه تکنولوژی‌های کشاورزی (*Agricultural technology development*)

تحقیق برای توسعه تکنولوژی‌ها بیشتر برای خانوارهای زراعی مطلوب می‌باشد که تمایل دارند و قادرند از تکنولوژی‌های پیشرفته (Frontier technologies) استفاده کنند. یک بینش کلیدی که بوسیله رهیافت تله‌های فقر فعال ارائه می‌شود، این است که تکنولوژی‌های با بازگشت بالا، حداقل از نظر بهبود بهزیستی فقراء، با گسترش مرز تولیدات کشاورزی و تولید و معرفی تکنولوژی‌های تحولی (Transition technologies) بدست نمی‌آید. بلکه تکنولوژی‌های که باعث افزایش بازده استراتژی‌های معیشتی موجود شود می‌تواند راه را برای استراتژی‌های مطلوب‌تر و جدید باز کند که در آینده مورد پذیرش واقع شوند.

- بازارهای مالی روستایی (*Rural financial markets*)



اگر خانوارهای فقیر بتوانند پس‌انداز نقدی داشته باشند یا وام‌های با نرخ بهره منطقی دریافت کنند یا در مواقع از دست دادن شدید محصول، بیمه دریافت کنند، بسیاری از مشکلات مداوم فقر، از بین خواهد رفت. در جوامع فقیر به خاطر بازارهای مالی ناقص در روستاها، افراد قادر نیستند که به خاطر محدودیت‌های مالی در زمان و مکان دلخواه تجارت کنند. محدودیت‌های مالی باعث عدم دسترسی به تکنولوژی‌های مترقی و فعالیت‌های پر بازده می‌شود. از این رو دارایی‌های خرد (microfinance) که پس‌انداز و اعتبار برای فقراء ایجاد کند و شکل‌های جدید بیمه در برابر بلاها، باید فراهم شود.

- شبکه‌های ایمنی (Safety nets)

تهدید از دست دادن دارایی‌های بیمه نشده و امکان اینکه رخدادهای پیش‌بینی نشده افراد را به سمت استراتژیهای معیشتی سطوح پایین‌تر سوق دهد، نشان دهنده اهمیت شبکه‌های ایمنی است که می‌تواند نقش خیلی مهمی در کاهش ریسک دارایی ایفا کند. مثال‌های از طرح‌های شبکه ایمنی وجود دارد، به ویژه آنهایی که بر پایه تضمین استخدام عمومی (Public employment guarantees) هستند، زمانی که درست برنامه‌ریزی و اجرا شوند به نظر می‌رسد که کار کنند (مثل برنامه‌های غذا برای کار (Food-for-work)). هر چند کمک‌های غذایی به طور گسترده برای کمک به خارج شدن از فقر مزمن شکست خورد ولی از این که به وضعیت بدتری دچار شوند جلوگیری کرد.

با توجه به بحث‌های ارائه شده، یک استراتژی توسعه روستایی موفق که در راستایی کاهش فقر باشد باید موارد زیر را لحاظ کند:

- تنوع گسترده و شرایط ناهمگن مناطق روستایی و ابعاد مختلف فقر را در نظر بگیرد و گروه‌های مختلف افراد روستایی و وضعیت آنها را تشخیص بدهد و لزوم اقتضایی بودن برنامه‌ها را در نظر داشته باشد.
- توانایی گسترده بخش کشاورزی و فرصت‌های جدید این بخش برای اشتغال زایی و رونق بخشیدن به اقتصاد روستایی را تشخیص داده و حداکثر استفاده را از آن ببرد.
- امکانات و توانایی‌های بخش غیرزراعی هر منطقه را شناسایی و جهت ایجاد اشتغال، درآمد و اعتبارات از ظرفیت‌های این بخش بهره بگیرد.
- ارائه کمک‌های مستقیم و غیر مستقیم به کشاورزان خرده‌پا تا از فرصت‌های جهانی شدن و بازار آزاد (مانند امکان تولید محصولاتی با ارزش بالاتر)، استفاده کنند.
- استراتژی‌های تولیدی را دنبال کند که هم رشد را افزایش دهد و هم فقر را کاهش دهد.
- امنیت معیشت و کاهش ریسک و آسیب‌پذیری معیشت روستائیان را در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در نظر داشته باشد.
- سعی در حداکثر کردن مشارکت مردم محلی خصوصاً فقراء و کشاورزان خرده‌پا در مراحل مختلف برنامه‌های توسعه را مد نظر داشته باشد.
- ایجاد انسجام و همدلی بین افراد محلی و رفع تضادها، حمایت از تشکیل شبکه‌ها و سازمان‌های کشاورزان و کمک به برقراری ارتباط با دیگر کنشگران را در نظر بگیرد.
- هماهنگی و انسجام در اهداف و فعالیت‌ها بین سازمان‌ها و ارگان‌های مختلفی که در امر توسعه روستایی دخیل هستند باید ایجاد شود.
- پاسخگویی تغییرات آینده در مناطق روستایی باشد.

منابع

- ازروم چیلر، ن. (۱۳۸۴). ابعاد گوناگون فقر در ایران. مجموع پژوهش‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسیها و سیاست‌های اقتصادی. قابل دسترس در سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: www.cbi.ir.
- حسن زاده، ع. و قویدل، ص. (۱۳۸۴). چالش‌های تأمین مالی خرد روستایی در ایران، مقایسه تطبیقی صندوق‌های قرض الحسنه روستایی و گرامین بانک بنگلادش. اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سیزدهم، شماره ۴۹، ص. ۱۶۸-۱۴۱.



حسینی، س.م. و شریفزاده، ا. (۱۳۸۶). سناریوهای بهسازی ترویج کشاورزی، در جستجوی یک پارادایم نوین. کرج: نشر آموزش کشاورزی. حیاتی، د. (۱۳۸۳). فقر روستایی و تخریب محیط زیست: ارزیابی اثرات توسعه. رساله دکتری بخش ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه شیراز.

کبیری، ا. و برزنده، م. (۱۳۸۳). رویکرد جدید بخش کشاورزی ایران در اصلاح ساختار بازار. مجموعه مقالات نخستین همایش کشاورزی و توسعه ملی (جلد دوم). معاونت برنامه‌ریزی و اقتصاد وزارت جهاد کشاورزی، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ص ۶۲۱-۵۹۸.

ورزگر، ش. (۱۳۷۷). *اشتغال در بخش کشاورزی*. تهران: وزارت کشاورزی، معاونت برنامه‌ریزی و بودجه، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.

- Anderson, E. and Deshingkar, P. (۲۰۰۵). Livelihood diversification in rural Andhra Pradesh, India. In: Ellis, F. and Freeman, H.A. (eds.), *Rural livelihoods and poverty reduction policies*. London & New York: Routledge.
- Anríquez, G. and Stamoulis, K. (۲۰۰۷). Rural Development and Poverty Reduction: Is Agriculture Still the Key? ESA Working Paper No. ۰۷-۰۲. [on-line] www.fao.org/es/esa.
- Barrett, Ch., and Swallow, B.M. (۲۰۰۵). Dynamic poverty traps and rural livelihoods. In: Ellis, F. and Freeman, H.A. (eds.), *Rural livelihoods and poverty reduction policies*. London & New York: Routledge
- Berdegúe, J.A., and Escobar, G. (۲۰۰۲). Rural diversity, Agricultural innovation policies and poverty reduction. Agren Network Paper, No. ۱۲۲.
- Bryceson, D.F. (۲۰۰۵). Rural livelihoods and agrarian change in sub-Saharan Africa. In: Ellis, F. and Freeman, H.A. (eds.), *Rural livelihoods and poverty reduction policies*. London & New York: Routledge.
- Carter, S. (۱۹۹۹). Multiple business ownership in the farm sector: assessing the enterprise and employment contributions of farmers in Cambridgeshire. *Journal of Rural Studies*, ۱۵, ۴۱۷-۴۲۹.
- Chhabra, D. and Phillips, R. (۲۰۰۹). Tourism-based development. In: Phillips, R., and Pittman, R.H (eds.), *An introduction to community development*. London & New York: Routledge.
- Dercon, S., Gilligan, D.O., Hoddinott, J., and Woldehanna, T. (۲۰۰۸). The Impact of Agricultural Extension and Roads on Poverty and Consumption Growth in Fifteen Ethiopian Villages. INTERNATIONAL FOOD POLICY RESEARCH INSTITUTE, Discussion Paper ۰۰۸۴۰.
- Dolan, C.S. (۲۰۰۵). Household composition and rural livelihoods in Uganda. In: Ellis, F. and Freeman, H.A. (eds.), *Rural livelihoods and poverty reduction policies*. London & New York: Routledge.
- Ellis, F. (۱۹۹۸). Household strategies and rural livelihood diversification. *The Journal of Development Studies*, ۳۵(۱), ۱-۳۸.
- Ellis, F. and Freeman, H.A. (۲۰۰۵). Conceptual framework and overview of themes. In: Ellis, F. and Freeman, H.A. (eds.), *Rural livelihoods and poverty reduction policies*. London & New York: Routledge
- Farrington, J., Christophos, I., Kidd, A., Beckman, M., and Cromwell, E. (۲۰۰۲). CREATING A Policy environment for pro-poor agricultural extension: The who? What? and how? Natural Resource Perspectives, Number ۸۰, May ۲۰۰۲
- Francis Nyongesa, W. (۱۹۹۳). Farm and nonfarm activities: A study of their linkages and impact upon rural development in Kakamega District, Kenya. Ph.D. dissertation, Clark University, United States -- Massachusetts. Retrieved November ۲۰, ۲۰۰۷, from ProQuest Digital Dissertations database. (Publication No. AAT ۹۴۱۰۶۴۲).
- Hagman, J., Chuma, E., Murwira, K. and Connolly, M. (۱۹۹۹). Putting process in to practice: operationalising participatory extension. [on-line] Available at: <http://www.odi.org.uk/agren/papers/agrenpaper-۹۴.pdf>
- Hayati, D. and Karami, E. (۲۰۰۵). Agricultural extension and poverty in Iran: past, present, future, and a pro-poor approach. *Journal of extension system*, ۲(۲۲), ۵۳-۶۸.
- Hustedde, R.J. (۲۰۰۹). Seven theories for seven community developers. An introduction to community development. In: Phillips, R., and Pittman, R.H (eds.), *An introduction to community development*. London & New York: Routledge.
- Johnson, D.J. (۲۰۰۲). Can agricultural labour adjustment occur primarily through creation of rural non-farm jobs in China? *Urban Studies*, ۳۹(۱۲), ۲۱۶۳-۲۱۷۴
- Leeuwis, C. (۲۰۰۳). *Communication for rural innovation : rethinking agriculture extension*. Wageningen: Wageningen Academic publishers
- Oseni, G. (۲۰۰۷). Agricultural production, human capital, and rural nonfarm activities: Evidence from Nigeria. Ph.D. dissertation, The American University, United States -- District of Columbia. Retrieved November ۲, ۲۰۰۷, from ProQuest Digital Dissertations database. (Publication No. AAT ۳۲۵۶۹۶۰).
- Otsuka, K. (۲۰۰۰). Role of agricultural research in poverty reduction: lessons from the Asian experience. *Food Policy*, ۲۵, ۴۴۷-۴۶۲.



- Phillips, R. and Pittman, R.H. (۲۰۰۹). A framework for community and economic development. In: Phillips, R., and Pittman, R.H (eds.), *An introduction to community development*. London & New York: Routledge.
- Selener, D. (۲۰۰۵). Definitions, Assumptions, Characteristics & types of Farmer Participatory Research .[on-line]Available at:
<http://web.idrc.ca/es/ev-۷۳۴۴۳-۲۰۱-۱-DO-TOPIC.html>
- The World Bank (۲۰۰۵). *Agriculture Investment Sourcebook*. Agriculture and Rural Development. Washington DC.
- World Bank (۲۰۰۳). Participation in agricultural extension. The world bank participation sourcebook.AppendixII:working paper summaries. [on-line]Available at: <http://worldbank.org/wbi/sourcebook/sba۲.htm>